



Child Rights Journal

2021; 3(9): 61-74

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>



International ThinkTank of
Human Dignity



The Iranian Association of
Child Rights

Domestic Legal Order in Response to Violence against Children

Arian Petoft¹

1. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Childhood is the most sensitive period of human life in which various physical and mental dimensions of individuals are formed and developed. Hence, it is crucially important to maintain children's physical-mental health. In the present article, an attempt is made to depict the general outline of the domestic legal normative order in response to violence against children.

Method: This study has been done in a descriptive-analytical way by using the library resources and especially laws.

Results: Children should never be exposed to violent domestic or social situations and experience child abuse. Since children today will be responsible for society in the future, and the progress and development of the country depend on their proper upbringing and development; therefore, the issue of violence against children, which causes great harm to it, is of special concern to Iran's laws.

Conclusion: In the current legal system, the response to violence against children knows no boundaries; today, there are various examples, such as violent physical and psychological punishment, parental neglect, exploitation, unhealthy cyberspace, drop out, pornography and pressures of poverty.

Keywords: Children Rights; Violence; Constitution; Social support; Citizen's rights

Corresponding Author: Arian Petoft; **Email:** arian_petoft@ut.ac.ir

Received: March 15, 2021; **Accepted:** April 25, 2021

Please cite this article as:

Petoft A. Domestic Legal Order in Response to Violence against Children. Child Rights Journal. 2021; 3(9): 61-74.



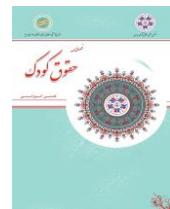
انجمن علمی حقوق کودک ایران



انجمن علمی حقوق کودک ایران

فصلنامه حقوق کودک

دوره سوم، شماره نهم، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۶۱-۷۴

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

پاسخ نظم حقوق داخلی به خشونت علیه کودکان

آرین پتفت^۱

۱. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کودکی حساس‌ترین دوره حیات بشری است که ابعاد مختلف جسمی و روانی افراد در آن شکل گرفته و تکامل می‌یابد. از این رو حفظ و تضمین رشد و سلامت جسمی و روانی کودک از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در مقاله حاضر تلاش بر این است که شمای کلی نظم هنجاری حقوقی داخلی در پاسخ به خشونت علیه کودکان به تصویر کشیده شود.

روش: این مطالعه بهصورت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از بررسی منابع کتابخانه‌ای و بهویژه قوانین انجام گرفته است.

یافته‌ها: کودکان هرگز نباید در وضعیت‌های خشونت‌آمیز خانوادگی یا اجتماعی قرار گرفته و مصاديق کودک‌آزاری را تجربه کنند. از آنجا که کودکان امروز، در آینده مسئولیت جامعه را بر عهده خواهند داشت و پیشرفت و توسعه کشور در گرو تربیت و رشد صحیح آنان است، لذا مسئله خشونت علیه کودکان که به شدت موجب آسیب به این امر می‌شود، مورد توجه خاص قوانین کشورمان قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: در نظم حقوقی کنونی، واکنش در قبال خشونت علیه کودکان حد و مرزی نمی‌شandasد و امروزه مصاديق مختلفی چون تنبیه خشونت‌آمیز فیزیکی و روانی، بی‌توجهی والدین، غفلت، بهره‌کشی، عدم سلامت فضای مجازی، ترک تحصیل، هرزه‌نگاری، فشارهای ناشی از فقر و مانند آن را در بر دارد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ خشونت؛ قانون اساسی؛ حمایت اجتماعی؛ حقوق شهروندی

نویسنده مسئول: آرین پتفت؛ پست الکترونیک: arian_petoft@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Petoft A. Domestic Legal Order in Response to Violence against Children. Child Rights Journal. 2021; 3(9): 61-74.

مقدمه

پراکنده منعکس شده است. اهم حقوق و آزادی‌های فردی کودک به عنوان انسان در بخش حقوق ملت قانون اساسی منعکس شده و عمله حقوق اطفال از آن حیث که کودک هستند در قوانین پراکنده همچون قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ مقرر شده است. در قانون اخیرالذکر، کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام نرسیده‌اند کودک تلقی شده و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌باشند (ماده یک قانون حمایت کودکان). همچنین قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز سند حقوقی مهم دیگری در این رابطه می‌باشد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در راستای جلوگیری از کودک‌آزاری، فاچاق کودکان و همچنین حمایت از کودکان و نوجوانان در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. مطابق ماده ۱ این قانون، طفل، «هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است» و نوجوان، «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است»، تعریف گردیده‌اند.

در این مقاله بر آنیم تا شمای کلی نظم هنجاری حقوقی داخلی را در پاسخ به خشونت علیه کودکان به تصویر بکشیم؛ به‌گونه‌ای که از یکسو مفهوم و مصاديق خشونت علیه کودکان تبیین شده و از سوی دیگر حقوق کودکان و تضمینات قانونی در این رابطه در نظام حقوقی کشورمان ترسیم گرددند. این مسئله از آن جهت درخور ضرورت و اهمیت است که با امعان توجه به مسئله بسیار حساس خشونت و شدت تأثیرات منفی آن در دوره کودکی بر جسم و روان اطفال و نوجوانان که در شخصیت آنان نهادینه می‌شود، از آسیب‌های آتی جامعه در نتیجه این‌گونه آثار تخریبی جلوگیری به عمل می‌آورد. در راستای پاسخ به سؤال این پژوهش ابتدا به تعریف خشونت علیه کودکان و مصاديق آن در قوانین و مقررات کشورمان می‌پردازیم (قسمت ۱) و سپس پاسخ حقوق داخلی به مسئله تنبیه و بزه‌دیدگی کودکان (قسمت ۲) مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

یونیسف از سال ۲۰۰۵ با همکاری دولت جمهوری اسلامی ایران، مسئله خشونت علیه کودکان در ایران را مورد توجه قرار داده است. این همکاری‌ها شامل کمک فنی در زمینه اصلاح قانون و سیاست‌گذاری، آموزش کارکنان بهداشت و مددکاران اجتماعی در شناسایی اولیه و کنترل کودک‌آزاری، تأسیس خط تلفن امداد برای کودکان آسیب‌دیده از خشونت و همچنین آگاه‌سازی عمومی، آموزش مردم و انجام تحقیق و پژوهش در این موضوع بوده است. از آن زمان تا کنون اقدامات مبتکرانه و مهم بسیاری آغاز شده است؛ برای نمونه واحدهای خدماتی تخصصی برای کودکان قربانی بدرفتاری و خانواده‌های آنان در برخی استان‌ها تأسیس شده‌اند که در آن‌ها، خدمات ضروری نظیر حمایت‌های روانی اجتماعی به آسیب‌دیدگان ارائه می‌شود؛ سازمان‌های مردم‌نهاد متعددی در کنار سازمان‌های دولتی (همچون سازمان بهزیستی کل کشور) به حمایت از حقوق کودکان پرداخته و اقدامات ویژه‌ای را برای مبارزه با مصاديق مختلف خشونت علیه کودکان همچون مغضل کودکان خیابانی، بدسرپرست و معارض، می‌پردازند (۱)؛ سازمان بهزیستی ایران از جمله مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهادهای دولتی متكفل حمایت از حقوق کودکان است. اقداماتی در جهت آموزش کارکنان بهداشت در بیمارستان‌ها در این زمینه صورت گرفته است. همچنین خطوط تلفن امداد برای ارائه مشاوره‌های ابتدایی به کودکان و خانواده‌های آنان در برخی استان‌ها فراهم شده است. این خطوط تلفن توسط سازمان بهزیستی اجتماعی تأسیس شده است و می‌تواند پرونده‌های کودک‌آزاری را به مسئولان مربوطه ارجاع داده و در موارد کودک‌آزاری مداخله نماید. به علاوه ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به رفتار آموزگاران، کارکنان بهداشت و مددکاران اجتماعی تدوین و به صورت اسناد حقوق نرم ارائه شده است.

اما در کنار این موارد و دیگر اقدامات اتخاذی، مهم‌ترین وجه مورد توجه کشورمان به مسئله خشونت علیه کودک را می‌توان در زمینه هنجاری مشاهده کرد که عمدتاً در قوانین به صورت

روش

این مطالعه به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از بررسی منابع مختلف کتابخانه‌ای و بهویژه مراجعه به قوانین، انجام گرفته است.

یافته‌ها

- بهره‌کشی اقتصادی: به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.
- معامله: خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که بهموجب آن طفل یا نوجوان در ازاء پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد.
- فحشاء: هرگونه به کارگیری و یا وادار کردن طفل و نوجوان در فعالیتها جنسی برای خود یا دیگری.
- هرزه‌نگاری: تهیه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جاذبیت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل یا اندام جنسی باشد.
- خطر شدید و قریب الوقوع: وضعیتی که حیات یا سلامت جسمی یا روانی طفل و نوجوان به شدت تهدید و در معرض آسیب قرار گیرد، به نحوی که مداخله فوری و چاره‌جویی را ایجاد نماید.
- وضعیت مخاطره‌آمیز: بهموجب ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزهده‌گی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود:
- الف) بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است؛
- ب) ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی؛
- پ) زندانی‌شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی؛
- ت) ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار؛

۱. خشونت علیه کودکان و مصادیق آن: در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، خشونت به صراحت تعریف نشده است؛ اما به طور خاص «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد» منع شده است (ماده ۲ قانون حمایت کودکان). بهموجب منشور حقوق شهروندی، همه کودکان حق دارند که از هرگونه تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقيق حق خود را داشته باشند (ماده ۵۴ منشور حقوق شهروندی). در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، به رغم سکوت مقتن در تعریف خشونت علیه کودک، مصادیق مهم آن تعریف شده‌اند که به قرار ذیل می‌باشد (ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان):
 - بی‌توجهی و سهل‌انگاری: کوتاهی در انجام تکالیفی از قبیل تأمین نیازهای اساسی و ضروری طفل و نوجوان یا وظایف مربوط به حضانت، قیمومت، وصایت، سرپرستی، تربیت، نظارت یا مراقبت از آنان توسط والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی یا هر شخصی که مکلف به آن است.
 - سوء رفتار: هرگونه فعل یا ترک فعل عمدى که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوء استفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی.

ت) جراحت سر و صورت و یا گردن در صورت عدم شمول هر یک از بندهای (ب) و (پ) به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی؛

ث) آزار جنسی ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری شدید و مستمر حسب مورد به یکی از مجازات‌های درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

همچنین هر کس به هر نحو موجبات ارتکاب به خودکشی کودک را فراهم آورد یا تسهیل کند و مشمول مقررات حد یا قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به ترتیب زیر مجازات می‌شود (ماده ۱۴ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان):

الف) هرگاه رفتار مرتكب، موجب خودکشی منجر به فوت طفل و نوجوان شود، به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) هرگاه اقدامات مرتكب موجب فوت طفل و نوجوان نشود، ولی منجر به ورود آسیب جسمی یا روانی به طفل و نوجوان شود به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) هرگاه اقدامات مرتكب مؤثر واقع نشود، به مجازات حبس درجه هشت قانون مجازات اسلامی.

۲. تنبیه و بزه‌دیدگی کودک: قانون گذار به‌طور تلویحی، اقدامات تربیتی کودک را از شمول کلی مصاديق خشونت علیه کودک خارج کرده است (ماده ۷ قانون حمایت کودکان و نوجوانان). این اقدامات به‌طور کلی، ماهیت مدنی و یا ماهیت کیفری دارند؛ در قانون مدنی کشورمان مقرر شده است که «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند.» (ماده ۱۱۷۹) با توجه به اینکه مطالعات و تحقیقات کنونی حاکی از مضرات جسمی و روحی مخاطره‌انگیز تنبیه بدنی کودک هستند، بدیهی است که منظور متن از «تنبیه» شامل برخورد فیزیکی (اعم از هرگونه ضرب و شتم یا آزار جسمی) نبوده و تنها اقداماتی را شامل می‌شود که صدمات ذهنی یا فیزیکی برای کودک به همراه نداشته باشد و صرفاً برای تأدیب و پرورش او در راستای تقویت فضیلت‌های اخلاقی

ث) قوادی و یا دائر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشاً توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتهر آن‌ها به فساد اخلاق و فحشاً؛

ج) خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر؛

ج) عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدمأخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه؛

ح) بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل؛

خ) طردشدن طفل و نوجوان از سوی خانواده؛

د) کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی؛

ذ) نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آنها در فعالیتهای مجرمانه، واردشدن یا واردکردن طفل و نوجوان در فعالیتهایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی؛

ر) هرگونه وضعیت زیانبار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی؛

ز) فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان؛

ژ) سوئرفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او به موجب ماده ۹ قانون مذکور، هرگاه در اثر بی‌توجهی و سهل‌انگاری اشخاص غیر از والدین نسبت به اطفال و نوجوانان نتایج زیر واقع شود، مقصراً علاوه بر پرداخت دیه به‌شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) فوت طفل یا نوجوان حسب مورد به مجازات حبس درجه پنج قانون مجازات اسلامی؛

ب) فقدان یکی از حواس یا منافع، قطع، نقص یا از کارافتادگی عضو، زوال عقل یا بروز بیماری صعبالعلاج یا دائمی جسمی یا روانی و یا ایراد جراحت از نوع جائیه یا بالاتر حسب مورد به مجازات حبس درجه شش قانون مجازات اسلامی؛

پ) نقصان یکی از حواس یا منافع، شکستگی استخوان یا دیگر اعضاء و یا بروز بیماری روانی به مجازات حبس درجه هفت قانون مجازات اسلامی؛

جایگزین حبس، تخفیف مجازات و یا حتی حکم تعییقی مجازات کودک معارض قانون است^(۴).

قانون حمایت کودکان، هرگونه کودک آزاری را جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازات تعیین کرده است. به موجب ماده ۴ این قانون، «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتكب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰۰۰/۱۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد.» از آنجا که کودک در دفاع از حقوق خویش دارای توانایی‌های لازم همچون بزرگسالان نبوده و ممکن است به سبب ضعف روحی یا جسمی (از جمله ترس، گوششگیری و مانند آن) نتواند خشونتی را که تحمل کرده بازگو نموده و خواستار حمایت و پیگرد قانونی شود، لذا قانون حمایت کودک برای تقویت نقش دادستان و حمایت ویژه از کودک در برابر هرگونه تعرضات، به جرم خشونت علیه کودک جنبه عمومی داده است.

در حقیقت در راستای حمایت قضایی بیشتر از اطفال، اندیشمندان حقوق کیفری ایران بر تقویت جنبه عمومی جرائم علیه کودکان تأکید دارند^(۵) تا دادستان بتواند پس از اطلاع از کودک آزاری و صرف نظر از نحوه اعلام جرم و طرح شکایت از سوی قربانیان، اقدام به تعقیب و رسیدگی نماید. در کشور ما برابر ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، کودک آزاری جنبه عمومی دارد و نیازی به شکایت شاکی خصوصی نیست: «کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد.» هرچند به نظر می‌رسد بر اساس اصول و قواعد کلی حقوق کیفری اصل بر عمومی بودن جرایم است و آنچه نیاز به تصریح دارد قابل گذشت بودن آن‌ها است، اما قانون گذار با وضع این ماده علاوه بر دنبال کردن هدف فرهنگی و ارزشی که کشاندن کودک آزاری از خلوت خانواده‌ها به عرصه جامعه است، در صدد مشکل‌گشایی در مواردی بوده که خود والدین و سرپرستان قانونی اطفال مرتكب کودک آزاری می‌شوند و کودک نیز نمی‌تواند اعلام شکایت کند و یا حتی در موارد کودک آزاری اطرافیان نیز آن‌ها

صورت پذیرد. برخی از دکترین حقوق ایران، در مبحث حضانت در بحث از حق تنبیه طفل عنوان می‌نمایند: حق تربیت طفل متضمن اختیار در تنبیه او است. قانون گذار نمی‌تواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت معین سازد و مرز مباح را ترسیم نماید.

تبیه کودک ممکن است به صورت ندادن غذا و محبوس کردن موقت در اتاق خاص و ایراد ضرب و شمات و مانند این‌ها تصور شود؛ ولی همه این موارد مصدق خشونت علیه کودک و انتقام‌جویی از اوی است؛ هرگونه اقدام تنبیه‌ی پدر و مادر باید با نوعی ملایمت و انعطاف که لازمه امور تربیتی است همراه باشد. وانگهی، تنبیه کودک در صورتی مجاز است که به قصد تأدیب انجام شود. پس قانون گذار بهناچار بایستی از عرف یاری بگیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباوه هرگونه تنبیه قرار دهد^(۶). این ابهام و تفاوت عرف و تعریف هر منطقه درباره حد متعارف تنبیه، ضرورت اصلاح و بازنگری در مفهوم تنبیه را در حقوق ایران آشکار می‌کند. باید اذعان نمود که هیچ معیاری نمی‌توان ارائه کرد که به واسطه آن حد متعارف تأدیب و محافظت مشخص گردد. در واقع تلاش زیادی برای ارائه روش‌های درست و نادرست تأدیب و محافظت انجام شده اما در جهت مشخص نمودن حد متعارف تأدیب و محافظت هنوز هنجرماندی قانونی حاکم نشده است^(۷). اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان کودک که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، باید در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد و تعیین حد و مرز این امر در قانون، مشخص نبوده و کاملاً عرفی و بر اساس رویه قضایی است.

قانون گذار در راستای تبیین اقدامات کیفری تربیتی، بخش مجازی را در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» (فصل دهم) پیش‌بینی کرده است که البته با توجه به اینکه کودک به سبب عدم تکامل قوه عقلی برای درک ماهیت جرم و یا حرمت آن، فاقد مسئولیت کیفری است، تأکید مقتن بر مجازات‌های

تحکیم ماده ۶ قانون مذکور، در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، به سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آن‌ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان است، اجازه داده شده تا نسبت به جرایم ارتکابی در موارد خشونت علیه کودکان اعلام جرم کرده و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند؛ لذا آنان می‌توانند در دفاع از حقوق کودک، نزد دادستان اعلام جرم کرده و اقدامات لازم برای طرح دادرسی کیفری را اتخاذ نمایند. مواد ۷۰ و ۷۱ این قانون نیز در خصوص جرایم علیه اطفال که تعقیب آن‌ها منوط به شکایت شاکی است اعلام می‌دارد: «در مواردی که ... ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد، ... و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده ... باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع‌آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد...» و همچنین «اگر ... ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مؤلّی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند... و ... موقف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.»

به هر ترتیب، در حقوق ایران، یکی از راهکارهای مبارزه با خشونت علیه کودکان، جرم‌انگاری و تشدید مجازات کودک‌آزاری است. سیاست کیفری افتراقی در قبال بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان در قوانین کیفری، در پرتو سازوکار جرم‌انگاری ویژه از یکسو و تشدید کیفر مرتکبان چنین جرایمی از سوی دیگر، نمود یافته است. البته در مواردی، سیاست کیفری ایران در قبال حمایت از کودکان و نوجوانان در جرایم خشونت‌آمیز نه تنها ویژه و افتراقی نیست، بلکه با عدول از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری، از آن‌ها حمایت کیفری کمتری کرده است. این رویکرد آثار و پیامدهای منفی زیادی می‌تواند به دنبال داشته باشد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی با در نظر گرفتن معافیتی شکرف برای پدران، بزه‌دیدگی خاص فرزندان را مباح دانسته است: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجني علیه نباشد.» این ماده، با معاف کردن پدر و جد پدری از قصاص نفس، به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و

مايل به اعلام شکایت نباشند (۶). از اين رو دادستان می‌تواند در راستای کشف موارد خشونت علیه کودک اقدام نموده و حسب مورد با پیگرد قانونی مقتضی، خواستار مجازات مجرم و احیای حقوق کودک بزه‌دیده شود و در این راستا نیازی به طرح شکایت از سوی کودک مزبور نیست (۷).

در اين رابطه، كليه افراد و نهادهایي که به هر نحوی از انجاء با کودکان سروکار دارند موظفند در صورت مشاهده موارد کودک‌آزاری، موضوع را به اطلاع دادستان برسانند تا اقدامات مقتضی از سوی اين مقام قضائي اتخاذ شود. بنابراین، نباید چنین تصوّر نمود که به صرف مسئولیت احیای حقوق کودک بزه‌دیده بر عهده دادستان، ساير افراد و مسئولين در اين رابطه تکلیفي ندارند؛ بلکه كليه افراد و نهادها باید برای کشف موارد کودک‌آزاری، گزارش آن‌ها و ياري رساندن به دادستان اقدامات لازم را به عمل آورند. بنابراین، چنانچه شهروندان، پزشكان اطفال، مددکاران اجتماعی، دبيران (خصوصاً معلمان مهد کودک)، مسئولين سازمان بهزیستي، فعالان سمن‌های حمایت از حقوق کودک (سازمان‌های مردم‌نهاد) و كليه افراد و نهادهای دیگر، نسبت به هرگونه خشونتی علیه کودک که شاهد آن بوده‌اند بی‌تفاوت باشند، خود مرتکب جرم شده و مستحق مجازات هستند. به همین سبب است که قانون‌گذار از واژه «مکلفند» در مسئولیت گزارش موارد خشونت علیه کودکان استفاده کرده است: «كليه افراد و مؤسسات و مراكزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصميمی مقتضی به مقامات صالح قضائي اعلام نمایند تخلف از اين تکليف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج ميليون (۵۰۰۰۰۰۰) ريال خواهد بود.»

البته گفته می‌شود که به علت عدم اطلاع‌رسانی مناسب در اين رابطه برای نهادهای ذيصلاح، ضعف آموزش و فرهنگ‌سازی مطلوب و فقدان نظارت با كيفيت و مقاومت جامعه سنتي ايران نسبت به قبول تأسيسات نوين حقوقی، قانون حمایت از کودکان عملاً به صورت قانون عقیم درآمده و رویه قضائي خاصی برای آن موجود نیست (۸). در راستای

از جمله مهم‌ترین مسائلی که مورد توجه نظام سیاست کیفری ایران قرار گرفته است، پیشگیری کیفری در برابر خشونت علیه کودکان است. پیشگیری از اقدامات معارض قانون از سوی اطفال و بزرگواری علیه اطفال از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی کشور است که دولت با توصل به اقدامات قهرآمیز و غیرقهرآمیز در صدد کاهش یا از بین بردن عوامل فردی، محیطی و وضعی مولد جرم و نیز گرایش به اقدامات متخلفانه بر می‌آید. با تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان نشانه‌هایی از پذیرش «سیاست کیفری افتراقی» در برخورد با جرایم علیه اطفال در حقوق کیفری ایران، نمایان شد، قانونی که با دادن جنبه عمومی به کودک‌آزاری و جرم‌انگاری با هدف اجباری کردن گزارش‌دهی موارد کودک‌آزاری، بارقه‌های امیدی از شکل‌گیری نظام دادرسی خاص کودکان و نوجوانان را نوید می‌دهد (۱۱). از نقاط مثبت این قانون، حمایت از کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال است که چتر حمایتی گسترش‌တهی را در مقایسه با قانون مجازات اسلامی بر سر کودکان گسترانده است. از سوی دیگر، در ماده ۲ هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود به آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره اندازد، ممنوع اعلام شده است. این قانون به جرم کودک‌آزاری جنبه عمومی داده است. به این ترتیب، تعقیب جرایم ارتکابی علیه کودکان و نوجوانان در ماده ۳ و ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بر اساس ماده ۱۱ و ۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر عهده دادستان خواهد بود و این راهی مناسب برای کشاندن جرم کودک‌آزاری از فضای خلوت و خصوصی خانواده‌ها به کل جامعه است.

با این حال، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که در حال حاضر برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال به آن استناد می‌شود، فارغ از اینکه ضمانت‌های اجرایی ضعیفی دارد، جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی کودک‌آزاری در آن لحظ نشده و فقط به مراجع قضایی اجازه مداخله داده است. به طوری که در صورت وقوع خشونت علیه طفل، حتی سازمان بهزیستی

تعزیر قاتل بسنده کرده است. گذشته از سازوکار دیه - که در فقه اسلامی بیشتر به سازوکاری جبرانی شبیه است تا کیفر به معنای واقعی - کیفرگذاری تعزیر برای جرم شدیدی چون قتل تأمل‌برانگیز به نظر می‌رسد. این ماده می‌تواند دستاویزی برای پدرانی باشد که به بهانه سوءظن و بدگمانی به فرزندانشان (به ویژه دختران) آنان را به قتل می‌رسانند و سپس با تحمل تعزیر و پرداخت خون‌بها، رفتار ستم‌کارانه خویش را توجیه می‌کنند. از دیدگاهی بزه‌دیده‌شناسانه نیز حکم این ماده، خشونتهای خانگی و کودک‌آزاری را در جامعه رواج می‌دهد و نوعی دادگری خصوصی مبتنی بر انتقام‌جویی را شایع می‌کند. ماهیت این بزه‌دیدگی‌ها همواره با رقم بالای سیاه بزه‌کاری همراه است و در نتیجه، معلوم نیست که در همه مواردی که پدر دست به فرزندکشی می‌زند، مورد پیگرد واقع شده و همین اندازه از ضمانت اجرای ماده درباره وی اجرا شود. دکترین حقوقی، فلسفه عدم ثبوت قصاص بر پدر را به این شرح بیان نموده‌اند: اولاً پدر یا جد پدری فطرتاً خواهان سعادت فرزند خود می‌باشند، حتی اگر از اوامر و نواهی او سرپیچی کند؛ ثانیاً علاوه و محبت نسبت به فرزند بهقدری شدید است که مانع از کشتن فرزند است. لذا در صورت وقوع، این امر ناشی از هوی و هوس نبوده است (۹). اما همان‌طور که برخی از پژوهشگران اذعان نموده‌اند «... چه بسیارند پدرها یا اجداد پدری که بدون رعایت مصلحت و حتی به منظور از بین بردن مصالح کودک اقدام به قتل وی می‌کنند. در مورد انگیزه تربیت نیز باید گفت که در سال‌های اخیر ما شاهد مواردی از خشونت به اطفال بوده‌ایم که کودک در سنین بسیار پایینی قرار داشته و بسیار آسیب‌پذیر بوده است. بنابراین عنوان نمودن بحث انگیزه تربیت در مورد این کودکان که گاهی کمتر از یکسال نیز سن دارند، بحثی بیهوده می‌باشد. از طرفی بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان در پس مصرف مواد مخدر توسط والدین صورت گرفته است که باز هم بحث تبیه و تربیت را منتفی می‌نماید. لذا تجدیدنظر در ماده قانونی مربوطه، لازمه اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری کیفری می‌باشد» (۱۰).

۱- ایجاد خط تلفنی ویژه برای اعلام موارد کودک‌آزاری؛ به منظور اعلام موارد خشونت علیه کودکان، خط تلفن ۱۲۲ در تهران و برخی از دیگر استان‌ها به عنوان خط ویژه در نظر گرفته شده که تمام طول شباهنگی روز پاسخگوی افراد می‌باشد و هرگونه گزارش کودک‌آزاری بدون ذکر نام اعلام کننده و یا با اعلام نام به صورت محرمانه، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. پس از دریافت گزارش توسط مشاورین این خط، مددکاران مربوطه برای پیگیری گزارش‌ها به محل اعزام می‌شوند و در صورت صحت موارد گزارش شده اقدامات مقتضی را به عمل می‌آورند.

۲- الزام والدینی که سابقه سوء رفتار با کودکان خود دارند، به شرکت در دوره‌های آموزشی حقوق کودک و سلامت خانواده؛ پس از برخوردهای قانونی مقتضی با افرادی که اطفال را مورد خشونت قرار داده‌اند، لازم است که نظارت و کنترل مستمر مددکاران اجتماعی بر این افراد صورت گرفته و در راستای اصلاح الگوهای رفتاری آنان، در دوره‌های آموزشی مناسبی تحت تعلیم قرار گیرند. البته این برنامه هنوز در کشور ما جایگاه قانونی مؤثری پیدا نکرده است؛ اما به صورت حکم تنبیه‌ی از سوی قاضی و یا در موارد اقدامات داوطلبانه‌ی خود والدین اغلب در مراکز سازمان بهزیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودک انجام می‌پذیرد. هم‌اکنون برخی دوره‌های به صورت دانشگاهی و عمومی راجع به چگونگی الگوپذیری کودکان از رفتار والدین، نحوه تربیت کودک، شیوه‌های اصلاح رفتار نابهنجار فرزند، مراقبت و نظارت والدین بر رفتار فرزندان، مراحل مختلف رشد جسمی- روانی، اجتماعی و عاطفی کودک، تناسب انتظارات والدین با استعدادها و توانایی‌های فرزند، روش‌های تقویت عزت نفس در کودک و به کارگیری راهکارهای تشويقی، رفتار کلامی و عملی مناسب در برخورد با کودک، برقراری ارتباط با کودکان، نحوه زندگی شایسته زناشویی، مهارت‌های حل مشکلات خانوادگی و بسیاری دیگر.

۳- الزام افراد به گزارش موارد کودک‌آزاری؛ در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، همه افراد می‌توانند خشونت علیه اطفال را گزارش کنند. اذن قانون‌گذار به تجویزی ساختن گزارش خشونت علیه کودکان موجب می‌شود که افراد در بسیاری از

هم اجازه ندارد اقدامی بدون هماهنگی مراجع قضایی انجام دهد. باید اول به مراجع قضایی گزارش دهد و منتظر بررسی این گزارش بماند؛ وضعیتی که می‌تواند باعث هدر رفت زمان و اقدام دیرهنگام شود. این در حالی است که قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، از یک طرف به طور ویژه به جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی که در پیشگیری از خشونت علیه اطفال مؤثrend می‌پردازد، و از طرف دیگر، برخلاف قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، اختیارات گسترشده‌ای برای مراجع غیرقضایی یعنی سازمان بهزیستی و نیز سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کودکان در نظر گرفته است. بدیهی است که این مسئله، در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از کودکان آسیب‌دیده، بسیار تأثیرگذار است. در قانون جدید، همچنین ضمانت‌های اجرایی برخورد با کودک‌آزاری هم تشديد شده و به علاوه تأسیس یک دادگاه اختصاصی با کارشناسان ویژه برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال در نظر گرفته شده است.

در سیاست کیفری ایران، نوعی پیشگیری غیر کیفری - از نوع پیشگیری وضعی و اجتماعی - هم مورد توجه قرار گرفته است. توضیح این که پیشگیری غیرکیفری «از جمله شاخه‌های کاربردی جرم‌شناسی است که با رویکردی کنشی پیشینی و ماهیتی غیرقهراً میز به دنبال کاهش یا از بین بدن عوامل فردی، محیطی و وضعی مؤثر در وقوع بzechکاری است. مطابق این تعریف، کیفر که در ذات خود واکنشی و پسینی می‌باشد، از فرآیند پیشگیری خارج می‌شود. مدل نوین جرم‌شناسی پیشگیری، تقسیم‌بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی می‌باشد» (۱۰). پیشگیری وضعی، روشی است که بر کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم تأکید دارد و پیشگیری اجتماعی، زمینه و علل جرم‌زا را از بین می‌برد (۱۲). مهم‌ترین اقدامات پیشگیری وضعی در ایران که در مقاله آقایان ثابت و عبدالهی بهخوبی بدان‌ها پرداخته شده است (۱۰)، عبارتند از: خط تلفن ویژه، الزام آموزشی و الزام گزارش‌دهی؛ و اهم اقدامات پیشگیری اجتماعی: آموزش والدین، آموزش رسانه‌ای، آموزش از طریق سمن‌ها، زوج درمانی و حمایت رفاهی (۱۰):

ارتباطات نامناسب با دیگران؛ کینه‌توزی و بیزاری از زندگی؛ انزواطلبی و گوشه‌گیری؛ رفتارهای روانی چندقطبی؛ افسردگی و اضطراب؛ عدم احترام به خود و دیگران؛ نداشتن عزت نفس و حس بی‌ارزشی؛ خودآزاری و گرایش به خودکشی؛ گرایش به مصرف دخانیات، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی؛ اختلال در رشد جسمی و ایجاد تغییرات جدی در گوارش، مزاج و اشتها؛ بروز مشکلات در مدرسه و محل کار؛ اختلال در مسائل جنسی، فحشا و روابط نامشروع؛ بی‌نظمی طلبی؛ خواب پریشی و کابوس؛ ترس، فوبیا از مسائل مختلف و شب ادراری؛ و نهایتاً مرگ کودک. این‌ها تنها بخشی از مضرات خشونت علیه کودکان هستند.

-۵- آموزش رسانه‌ای در مورد معضل خشونت علیه اطفال: صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی و سایتها نقش بسیار بر جسته‌ای در دنیای فناوری کنونی دارند. امروزه تلاش رسانه‌ها برای انعکاس موارد خشونت علیه کودکان، آسیب‌شناسی وضع موجود و ارائه راهکارها به طور روزافزونی افزایش یافته است و حتی برنامه‌های متعدد آموزنده‌ای برای خانواده‌ها ارائه شده است؛ اما با تمام این احوال هنوز خلاً جدی در فعالیت شبکه‌های تلویزیونی، رادیو، رسانه‌های چند منظوره، وب‌سایتها و آموزش کودک و خانواده و نیز شبکه‌های اجتماعی در رابطه با حقوق کودک، تعامل مناسب با وی، برخوردهای شایسته با فرزند، تربیت و پرورش او، برنامه‌های آموزشی برای والدین و کودکان به شدت احساس می‌شود. تهیه و پخش برنامه‌های مستند راجع به خشونت علیه اطفال و عواقب آن و بررسی کارشناسانه محتوای برنامه، می‌تواند تلنگری باشد برای تمامی افرادی که به صورت آگاهانه و یا با عدم آگاهی اقدام به خشونت علیه کودکان می‌نمایند. انعکاس تجربیات و دردهای روحی و روانی افرادی که در گذشته مورد آزار قرار گرفته‌اند، تقبیح خشونت در مقابل اطفال از منظر شرع مقدس اسلام در قالب دوره‌های آموزشی و برنامه‌های دینی و ضرورت اجتناب از رفتارهای آسیب‌رسان نسبت به کودکان می‌تواند از راههای مهم در بستر پیشگیری اجتماعی از پدیده خشونت علیه اطفال در خانواده‌ها باشد.

موارد به دلایل مختلفی چون ترس، آبرو، بی‌توجهی و مانند آن، موارد کودک‌آزاری را اطلاع ندهند؛ اما در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان، کلیه افراد ملزم به گزارش خشونت علیه اطفال شده‌اند، یعنی وظیفه قانونی بر دوش افراد گذاشته شده است و حتی به خود کودکان هم این حق داده شده است که این موارد را گزارش کنند. از این‌رو، بر اساس قانون جدید، کلیه افرادی که به نوعی با کودکان در ارتباط هستند (همچون معلم، پزشک اطفال، پرستار، مددکار اجتماعی، والدین و غیره) و یا شاهد کودک‌آزاری بوده‌اند، باید موارد خشونت علیه کودکان را به مراجع قانونی گزارش دهند. برخی مواقع، افراد با تصور این که خشونت علیه اطفال یک مسئله خصوصی خانوادگی است، اقدامی در جهت گزارش و اعلام موارد مشاهده شده در این زمینه نخواهند کرد. در حالی که این‌گونه نیست و تک‌تک افراد جامعه باید خود را موظف به گزارش این موارد بدانند. با الزامی شدن اعلام موارد خشونت علیه کودکان، در صورت قصور در انجام این وظیفه، باید مجازات‌هایی پیش‌بینی گردد. به عنوان مثال، جزای نقدی، حبس‌های کوتاه‌مدت و یا مجازات‌های جایگزین حبس (مثلًا خدمت رایگان برای کودکان تحت حمایت بهزیستی برای یکسال).

-۴- آموزش به والدین در مورد حقوق کودکان و آثار و تبعات خشونت علیه آنان: در بسیاری از موارد مشاهده شده است که اقدام والدین به تنبیه بدنی فرزند خود، بی‌توجهی به وی و غفلت از وضعیت جسمی-روانی وی تنها به دلیل عدم آگاهی آنان از تبعات مخرب خشونت علیه کودکان است و اگر آنان را از مخاطرات و صدمات سنگین کودک‌آزاری آگاهی نماییم، چه بسا در رفتار خود تجدیدنظر کرده و در مراحل آتی به طور شایسته به تربیت فرزند خود اقدام کنند. بسیاری از خانواده‌ها از معضلات و مشکلات جدی ناشی از خشونت علیه کودکان اطلاعی ندارند. مسائلی بفرنچ در کودکان همچون: شکل‌گیری رفتارهای ضد اجتماعی و ناهنجار به طور بالقوه که می‌تواند به صورت عناصر خشونت‌آمیز، بزهکارانه و نافرمانی مدنی در مراحل آتی زندگی کودک بالفعل شود؛ اختلال شخصیتی؛

پیدا نکرده است؛ اما به صورت پراکنده در برخی برنامه‌ها همچون آموزش قبل از ازدواج، مشاوره ازدواج و مانند آن منعکس شده است که البته کارایی چشمگیری ندارند. ولی زوج درمانی در کاهش مشکلات روان‌شناسی و استرس مؤثر می‌باشد. بسیاری از والدینی که اطفال خود را آگاهانه یا به طور ناخواسته مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند، اغلب از ناراحتی روانی با شدت و ضعف رنج برده و از لحاظ اجتماعی منزوی می‌باشند. برخی برنامه‌های درمانی در قالب شیوه‌های اجتماعی می‌توانند موجبات گرددۀم‌آبی دوستان، تماس با انجمن‌ها و درمان اولیا را فراهم آورند. این‌گونه ارتباطات اجتماعی برای اقدامات درمانی می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد و بستگی به نیازهای خانوادگی دارد؛ ممکن است این ارتباط از خطوط تلفن بحرانی، تا گروههای حمایتی و کلاس‌های آموزشی را شامل شود. برنامه‌های بازدید از منازل، یک شیوه حمایتی دیگر از والدین است. چنین دیدارهایی، اطلاعاتی در مورد رشد کودک و نحوه اداره او در اختیار والدین قرار می‌دهد که عمدتاً از سوی مددکاران اجتماعی انجام می‌پذیرد.

- حمایت رفاهی از خانواده‌های فقیر: بدیهی است که یکی از مهم‌ترین عوامل مولد خشونت علیه کودکان، فقر خانواده و بی‌کاری سرپرست آن است. نظام حقوقی کشور ما یکی از مبانی سیاسی خود را ریشه‌کن کردن فقر از بستر اقتصاد گذارده است. به وفور دیده شده است که خانواده‌های کودک آزار غالباً از فقر مالی و بهداشتی رنج می‌برند و برای تأمین خوراک، پوشاسک، مسکن، شغل و بهداشت خود به کمک و همیاری دیگران نیاز دارند. با این وجود، اغلب مقوله فقر مورد غفلت واقع می‌شود و حمایت‌های کنونی سازمان‌های دولتی و مردمی (همچون کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفین، مساجد، پایگاه‌های بسیج و غیره) در این زمینه هنوز نتوانسته خلاهای گسترده فقر مالی مردم را پر کنند. آموزش شغلی و فراهم‌سازی شغل مناسب می‌تواند بخشی از خدماتی باشد که به والدین آنان ارائه می‌شود. آثار زیان‌بار و غیر قابل انکار فقر بر روابط خانوادگی، رشد، جامعه‌پذیری، عفوافت و شایستگی تربیت فرزندان، موجب می‌شود که برای

۶- آموزش الکوهای صحیح تربیتی به والدین از طریق ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد: در نظام حقوقی، بهره‌گیری از اجزای جامعه مدنی در کنار سازمان‌های دولتی و رسمی در مبارزه با جرائم از جمله خشونت علیه کودکان، می‌تواند برای پیشگیری از کودک‌آزاری، که جزو رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارآبی و اثربخشی اقدامات اتخاذی را افزایش دهد. (۱۳) از ویژگی‌های بر جسته نظام‌های کیفری مدرن (در پرتو اصول حقوقی نوین و آموزه‌های مدرن حقوق کیفری)، مشارکت جامعه مدنی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم است. «با توجه به این‌که تربیت فرزندان سالم و بهنجار مستلزم آشنایی والدین از شیوه‌های مناسب و صحیح تربیت کودک و دارا بودن مهارت‌های فرزندپروری است و این‌که متأسفانه بیشتر والدین ایرانی، بهخصوص آن‌هایی که دارای فقر فرهنگی و اقتصادی هستند، فاقد چنین اطلاعات و مهارت‌هایی هستند، پس فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در این بخش از برنامه‌های خانواده‌مدار عمدتاً بر آموزش مهارت‌های یادشده به والدین متمرکز است. این آموزش‌ها می‌تواند در زمینه شیوه‌های تربیتی کودکان و نوجوانان، شیوه برخورد با رفتارهای نادرست آن‌ها، چگونگی برقراری ارتباط سازنده با نوجوانان و غیره باشد. در این باره به عنوان نمونه می‌توان به فعالیت‌های انجمن حمایت از حقوق کودکان اشاره کرد. یکی از برنامه‌های هفتگی انجمن یادشده برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مادران است که در آن مهارت‌های فرزندپروری به مادران آموزش داده می‌شود. از جمله می‌توان از کلاس‌های: آموزش تعلیم و تربیت کودکان، مدیریت خشم و عصبانیت، چگونه پدر و مادر و مری مفیدی باشیم، روش خوب گوش دادن به کودکان، روش نقاشی با کودکان و آموزش حقوق کودک برای مادران و همچنین کلاس‌های مشاوره گروهی رفتار با کودک در خانه و خانواده نام برد» (۱۰).

۷- زوج درمانی والدین کودک‌آزار: از جمله یکی از راهکارهای پیشگیری اجتماعی خشونت علیه کودکان، از بین بردن عوامل سوء رفتار والدین با فرزندان است که به طریق زوج درمانی انجام می‌شود. این امر در کشور ما چندان جایگاه قابل توجهی

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتكار داشته باشد.
۴. رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگر.
۵. منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.
۶. منع اسراف و تبذیر در همه شیوه‌های مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
۷. استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.
۸. جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.
۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برها نداشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر دریافتیم که در قوانین کشور، خشونت علیه کودکان به صراحت تعریف نشده است؛ اما از شمول کلی احکام قانونی این‌گونه بر می‌آید که در حقوق ایران، هرگونه رفتار یا وضعیت‌های موجود آثار منفی جسمی یا روحی بر افراد زیر ۱۸ سال (اطفال و نوجوانان) اعم از سوء رفتار، بهره‌کشی اقتصادی، معامله آنان، فحشاء، هرزه‌نگاری، ایجاد خطر شدید و قریب الوقوع برای آنان، فشار روانی مخرب، آزار فیزیکی و روحی، بی‌توجهی، سهل‌انگاری و قراردادن آنان در وضعیت‌های مخاطره‌آمیزی چون بی‌سروپرستی، ابتلاء والدین به اختلال‌های روانی یا بیماری‌های جسمی واگیر صعب العلاج، زندانی شدن والدین و اعتیادهای زیان‌آور به مواد مخدر یا قمار، دایر یا اداره کردن مراکز فساد و فحشا توسط والدین، خشونت مستمر والدین نسبت به یکدیگر، عدم اقدام برای ثبت احوال بدون عذر موجه، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طرد از سوی

بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌های فقیر اقدامات ویژه‌ای را در اولویت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور قرار داده و از تعیینات مثبت برای حمایت از آنان استفاده نماییم. بسیاری از محققین اذعان نموده‌اند که وضعیت نامناسب اقتصادی-اجتماعی خانواده‌ها در کارکردهای آن‌ها و کفایت والدین تأثیر مخربی داشته است (۱۴). کودکان در خانواده‌هایی که تحت فشار شدید فقر مالی قرار داشته و از وضعیت نامناسب اجتماعی رنج می‌برند، کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می‌گیرند و احتمال بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به آن‌ها بیشتر می‌باشد؛ این امر موجبات اختلال شخصی و هویتی کودک شده و حس تعلق او به خانواده را از بین می‌برد و فرآیند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی وی را مختل می‌کند. خوشبختانه، قانون اساسی کشورمان بسترها مناسبی برای حمایت رفاهی از خانواده فراهم آورده است که بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند تا حد قابل توجهی ریشه‌های فقر موجود کودک‌آزاری را بخشنکاند. در اصل ۴۳ قانون اساسی کشورمان مقرر شده است: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشان، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.
۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسائل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسائل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

خانواده، کم‌توانی جسمی یا ذهنی طفل و نوجوان، ابتلاء آنان به بیماری‌های خاص، نقض قوانین جزایی، هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابعیتی، فرار مکرر از خانه یا مدرسه، سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او، خشونت علیه کودکان تلقی می‌شود.

همچنین دریافتیم که اغلب مغالطه مفهومی میان «تنبیه» و «تأدیب» کودک صورت گرفته است و بسیاری از والدین تصور می‌کنند که قانوناً اختیار تنبیه فیزیکی و روحی کودک خویش را حتی به صورت خشونت‌آمیز دارند. در حالی که والدین تنها حق تأدیب کودک را دارند و آن غیر از کودک‌آزاری است. رفتارهای تنبیه‌آمیز والدین که موجب ورود صدمه جسمی یا روحی به کودک می‌شود، خشونت علیه کودکان بوده و منع قانونی دارد. هرگونه کودک‌آزاری در زمرة جرائم عمومی قرار داشته و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد؛ لذا تحت پیگرد قانونی از سوی دادستان قرار می‌گیرد. کلیه افراد و نهادهایی که به هر نحوی از انحا با کودکان سروکار دارند موظفند در صورت مشاهده موارد کودک‌آزاری، موضوع را به اطلاع دادستان برسانند تا اقدامات مقتضی از سوی این مقام قضایی اتخاذ شود. به هر حال، سیاست کیفری ایران در پاسخ به خشونت علیه کودکان هم پیش‌گیرانه (مراقب سخت‌گیرانه نظارتی و بازدارنده) و هم مبارزه‌جویانه (جرائم‌انگاری و تشدید مجازات) است. افزون بر این، اقدامات پیشگیری غیرکیفری نیز در ایران مورد توجه قرار گرفته است که اهم آن عبارتند از: خط تلفن ویژه، الزام آموزشی، الزام گزارش‌دهی، آموزش والدین، آموزش رسانه‌ای، آموزش از طریق سمن‌ها، زوج‌درمانی و حمایت رفاهی.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Petoft A, Abbasi M. Citizenship Rights: from Good Governance to Administrative Procedures: Justice Publication; 2017. [Persian]
2. Katozian N. Civil Law, Family. Tehran: Mizan Publications; 2010. [Persian]
3. Darijani M. Legal and criminological study of corporal punishment of children (Master Thesis), Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science. University of Tehran; 2000. [Persian]
4. Petoft A, Markaz-malmiri A. Concept and scope of the general principles of administrative law and referring possibility in the judicial procedure. The Judiciary Research Institute Publishing Center; 2016.
5. Nobahar R, Saffari F. The Requirements of a Protective Criminalization for Street Children. *Criminal Justice Research*. 2018; 8(2): 211-31. [Persian]
6. Zeinali AH. Innovations in the Law on the Protection of Children and Adolescents and Its Overcoming Challenges. *Social Welfare Quarterly*. 2003; 7: 59. [Persian]
7. Parvin K, Patoft A. Scope of legislative supervision of the decisions of the council of ministers, emphasis upon Articles 85 and 138 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Public Law Studies Quarterly*. 2015; 45(1): 63-82. [Persian]
8. Javanmard B. Study of the status of criminal protection of children in the Iranian legislative system and related challenges. *Journal of the Bar Association*. 2010; 208: 247. [Persian]
9. Asghari SS. Islamic Penal System and Response to Doubts. Tehran: Keyhan Publications; 2018. [Persian]
10. Sabet MAM, Abdollah S. Iran's preventive criminal policy against violence against children. *Quarterly Journal of Crime Prevention Studies*. 2020; 33: 9-51. [Persian]
11. Petoft A. The concept and instances of general principles of administrative law: Towards a global administrative law. *Cuestiones constitucionales*. 2020; 42: 309-55.
12. Saffari A. Theoretical Foundations of Crime Prevention. *Journal of Legal Research*. 2001; 34: 33. [Persian]
13. Aberandabadi AHN. Criminal Politics. Criminal Science: Collection of Articles. 2005; 2: 268. [Persian]
14. Mahdavi M. Study of children and adolescents at risk: A case study of delinquency risk factors in adolescents of Tehran Correctional Center (PhD thesis) Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science: University of Tehran; 2009. [Persian]